

بررسی فقهی حقوقی امکان جایگزینی مجازات‌های بدنی در حدود با مجازات‌های جایگزین حبس و خدمات عمومی

اکبر هوشیاری^۱، سید سعید سیدی^۲، سیاوش زمانی^{۳*}

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد سنندج، سنندج، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی واحد سنندج، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

مجازات‌های بدنی مقرر در باب حدود از دیرباز یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در تقاطع فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری نوین بوده است. این نوشتار با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، امکان جایگزینی مجازات‌های بدنی حدی با نهادهای نوین کیفری همچون مجازات‌های جایگزین حبس و خدمات عمومی رایگان را بررسی می‌کند. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا در چارچوب فقه امامیه و حقوق موضوعه‌ی ایران، امکان جایگزینی رسمی این مجازات‌ها وجود دارد یا خیر. یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالی که غالب فقهای امامیه حدود منصوص را غیرقابل تغییر و تعطیل ناپذیر می‌دانند، ظرفیت‌های فقهی همچون قاعده‌ی درء، حکم حکومتی، تعزیر تکمیلی و شرایط اثباتی دشوار، عملاً دامنه‌ی اجرای این مجازات‌ها را محدود کرده و مسیر را برای گرایش به سازوکارهای جایگزین در عمل می‌گشاید. این پژوهش همچنین با نگاهی تطبیقی به تجربه‌ی برخی کشورهای اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری، چارچوبی برای ارزیابی ظرفیت اصلاح در این حوزه ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: حدود، مجازات بدنی، جایگزین حبس، خدمات عمومی، قاعده‌ی درء، حکم حکومتی.

. مقدمه

نظام کیفری اسلام مجازات‌ها را به چهار دسته‌ی حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می‌کند (محقق حلی، بی‌تا، ص ۲۵). حدود، مجازات‌های ثابت و منصوصی هستند که میزان و نوع آنها در شرع معین شده و به‌همین دلیل اصولاً از اختیار قاضی یا حاکم برای تغییر، تخفیف یا تبدیل خارج تلقی می‌شوند. در دهه‌های اخیر، نظام‌های کیفری دنیا از جمله ایران، به سمت گسترش مجازات‌های جایگزین حبس مانند جزای نقدی، دوره‌ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان و نظام نیمه‌آزادی حرکت کرده‌اند. این گرایش که ریشه در نظریه‌های نوین جرم‌شناسی و اصلاح‌گرایانه دارد، این پرسش بنیادین را برجسته ساخته است که آیا می‌توان مجازات‌های بدنی حدی را نیز مشمول همین رویکرد اصلاحی قرار داد.

اهمیت این پژوهش از سه جهت قابل ارزیابی است: نخست، از منظر نظری، روشن‌سازی حدود اختیارات حاکم اسلامی و قانون‌گذار در تصرف در احکام منصوص شرعی؛ دوم، از منظر عملی، ارائه‌ی تصویری واقع‌بینانه از فاصله‌ی میان نص فقهی و رویه‌ی قضایی موجود در پرونده‌های حدی؛ و سوم، از منظر بین‌المللی، بررسی تطبیقی چگونگی مواجهه‌ی نظام‌های حقوقی سایر کشورهای اسلامی با این تنش میان الزامات شرعی و معیارهای حقوق بشری.

پژوهش حاضر، با تلفیق تحلیل فقهی و مطالعه‌ی تطبیقی میان‌کشوری، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که: «آیا در چارچوب فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، امکان جایگزینی رسمی مجازات‌های بدنی حدی با نهاد مجازات‌های جایگزین حبس و خدمات عمومی وجود دارد؟» فرضیه‌ی پژوهش آن است که هرچند جایگزینی رسمی و مستقیم با موانع جدی روبه‌راست، اما محدودسازی غیررسمی دامنه‌ی اجرای عملی این مجازات‌ها از طریق ظرفیت‌های درون فقهی (همچون قاعده‌ی درء، توبه‌ی پیش‌ازاثبات، و اختیارات حکومتی) امکان‌پذیر است و در عمل نیز تا حدی محقق شده است.

چارچوب نظری پژوهش بر سه رکن استوار است: (۱) نظریه‌ی فقهی تفکیک ثوابت و متغیرات شریعت، (۲) نظریه‌های جرم‌شناختی بازپروری و بازدارندگی، و (۳) نظریه‌ی سلسله‌مراتب هنجاری در حقوق اساسی. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مراجعه به منابع فقهی معتبر امامیه، متون قانونی موضوعه‌ی ایران و گزارش‌های تطبیقی حقوقی است.

ساختار نوشتار بدین ترتیب است که پس از این مقدمه، در بخش دوم به مفهوم‌شناسی حدود و سیر تاریخی آن پرداخته می‌شود. بخش سوم به مبانی فقهی عدم قابلیت تخفیر و نیز ظرفیت‌های محدودکننده اختصاص دارد. بخش چهارم به مبانی جرم‌شناختی و فلسفه‌ی مجازات‌های جایگزین می‌پردازد. بخش پنجم، جایگاه مجازات‌های

جایگزین در حقوق موضوعه‌ی ایران را بررسی می‌کند. بخش ششم با نگاهی تطبیقی به تجربه‌ی سایر کشورهای اسلامی و تحلیل سناریوهای فرضی، راهکارهای پیشنهادی را ارائه می‌دهد. در نهایت، نتیجه‌گیری و منابع در انتها آمده است.

۲. پیشینه

موضوع نسبت میان حدود شرعی و نظام‌های کیفری نوین، موضوع پژوهش‌های متعددی در حوزه‌ی فقه جزایی و حقوق کیفری تطبیقی بوده است. این پژوهش‌ها را می‌توان به سه جریان اصلی تقسیم کرد: جریان نخست، پژوهش‌هایی هستند که با رویکردی فقهی-تفسیری بر اثبات غیرقابل تغییر بودن حدود منصوص تمرکز دارند و هرگونه تلاش برای جایگزینی این مجازات‌ها را خارج از چارچوب مشروع اجتهاد فقهی می‌دانند. از جمله‌ی این پژوهش‌ها، نوبهار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «امکان سنجی فقهی گذار از مجازات‌های بدنی» با تکیه بر بنیادهایی مانند امضایی بودن مجازات‌های مذکور در متون دینی، بر عدم موضوعیت شکل و شیوه‌ی اجرای مجازات و اهمیت داشتن مقاصد مورد نظر از اجرای کیفر تأکید کرده و گذار از همه‌ی مجازات‌های بدنی را به عنوان نظریه‌ای فقهی مطرح ساخته است. همچنین مهدوی فر، حسینی مقدم و عرب‌خزائلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس در پرتو اصل کرامت و شخصیت انسانی با تأکید بر فقه امامیه» به نقش اصل کرامت انسانی در به کارگیری مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که در مواردی که شارع به صراحت مجازات حبس را در قالب حدود تعیین نکرده است، قضات با در نظر گرفتن اصل کرامت و احترام به شخصیت انسانی باید مجازات‌های جایگزین حبس را مدنظر داشته باشند. موسوی اشکیکی (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی و مقارنه آن با فقه جزایی» به بررسی جنبه‌های فقهی و حقوقی مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته و تأثیرپذیری قانون جدید مجازات اسلامی ایران از سیاست‌های کیفری کشورهای مختلف را مورد تحلیل قرار داده است. این جریان پژوهشی عمدتاً بر ادله‌ی قرآنی، روایی و اجماعی تکیه دارد و کمتر به ابعاد جرم‌شناختی موضوع می‌پردازد.

جریان دوم، پژوهش‌هایی هستند که با رویکردی حقوق بشری-انتقادی بر ناسازگاری مجازات‌های بدنی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر تمرکز دارند و خواستار بازنگری اساسی در این احکام هستند. در این راستا، اکرمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «جایگزین مجازات حبس برای زنان در نظام‌های عدالت کیفری ایران و کشورهای غربی» به بررسی تطبیقی مجازات‌های جایگزین حبس برای زنان پرداخته است. همچنین خاکسار و غلامی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس» به بررسی رویه‌ی قضایی ایران در اعمال مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته‌اند و غلامی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس» به این نتیجه رسیده که بعضی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس از جمله جزای نقدی روزانه و خدمات عام‌المنفعه فاقد کارایی عملی هستند. این جریان پژوهشی

عمدتاً از منظر حقوق بین‌الملل و فلسفه‌ی حقوق به موضوع می‌نگرد و کمتر به ظرفیت‌های درون‌فقهی برای اصلاح توجه می‌کند.

جریان سوم، پژوهش‌هایی هستند که با رویکردی میانه و تحلیلی-تطبیقی تلاش می‌کنند ظرفیت‌های درون‌فقهی موجود مانند قاعده‌ی درء و اختیارات حکومتی را شناسایی و تحلیل کنند، بدون آنکه لزوماً به دنبال جایگزینی رسمی نوع مجازات باشند. در این زمینه، حاجی‌ده‌آبادی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده درء در فقه امامیه و حقوق ایران» به بررسی قاعده‌ی مشهور فقهی «ادرؤوا الحدود بالشبهات» پرداخته و مفاد آن را چنین بیان کرده که حدود با شبهه برداشته می‌شوند و مجازات حدی تنها در صورتی جاری می‌شود که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای در میان نباشد. ساداتی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شرایط اعمال قاعده درء در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی» به تحلیل دقیق‌تر شرایط اجرای این قاعده پرداخته و نشان داده است که قاعده‌ی درء از میان انواع جرایم، تنها حدود به معنای اخص و تعزیراتی را که جنبه‌ی حق‌اللهی دارند در بر می‌گیرد. مرتاضی (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «اثر محکومیت‌زدایی و کیفرزدایی قاعده درء در جنایات موجب حد» به این نکته اشاره کرده که قاعده‌ی درء در برخی حالات کیفر خاصی را دفع می‌کند اما امکان اعمال کیفر از جهات دیگر وجود دارد و در برخی موارد به‌طور کلی محکومیت‌زدایی می‌کند. این جریان پژوهشی که در آثار برخی حقوقدانان و فقهای معاصر ایرانی نیز مشهود است، بر شکاف میان نص و عمل در رویه‌ی قضایی متمرکز دارد.

با مرور پژوهش‌های فوق، چند خلأ اساسی قابل شناسایی است: اغلب پژوهش‌های جریان نخست، متمرکز بر جرایم تعزیری بوده و به جرایم حدی و امکان جایگزینی آنها نپرداخته‌اند. پژوهش‌های جریان دوم نیز عمدتاً بر موانع اجرایی مجازات‌های جایگزین متمرکز بوده و به امکان یا امتناع اعمال آنها در جرایم حدی توجه نکرده‌اند. پژوهش‌های جریان سوم هرچند به قاعده‌ی درء پرداخته‌اند، اما عمدتاً بر ابعاد نظری و فقهی این قاعده متمرکز بوده‌اند و کمتر به کاربرد عملی آن در رویه‌ی قضایی ایران و ارتباط آن با نهاد مجازات‌های جایگزین حبس توجه داشته‌اند. همچنین در اغلب پژوهش‌های پیشین، تفکیک میان «جایگزینی رسمی نوع مجازات» و «محدودسازی غیررسمی دامنه‌ی اجرا» به‌خوبی صورت نگرفته است، در حالی که از منظر فقهی و حقوقی، تفاوت ماهوی میان این دو رویکرد وجود دارد. افزون بر این، جای خالی پژوهشی که به‌طور هم‌زمان به هر سه بعد فقهی، حقوقی و تطبیقی موضوع بپردازد و با رویکردی یکپارچه، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های اصلاح در این حوزه را مورد بررسی قرار دهد، به‌وضوح احساس می‌شود. پژوهش حاضر از یک سو، با تفکیک دقیق میان «اصل مجازات» و «کیفیت اجرا» و از سوی دیگر، با شناسایی و تحلیل ظرفیت‌های فقهی محدودکننده‌ی اجرای حدود (همچون قاعده‌ی درء، اختیارات حکومتی حاکم اسلامی، توبه‌ی پیش‌ازاثبات و تعزیر تکمیلی) و نیز با بهره‌گیری از تجربه‌ی تطبیقی سایر کشورهای اسلامی، تلاش می‌کند خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین را پر کند و تصویری جامع‌تر

از امکان‌سنجی اصلاح در این حوزه ارائه دهد؛ امری که در پژوهش‌های پیشین کمتر به‌طور یکجا مورد توجه قرار گرفته است.

۳. مفهوم‌شناسی حدود و مجازات‌های بدنی؛ سیر تاریخی

۳-۱. تعریف حد و تفکیک از تعزیر

حد در اصطلاح فقهی، مجازاتی است که نوع، میزان و کیفیت اجرای آن از سوی شارع به‌دقت تعیین شده و حاکم یا قاضی اختیاری در افزایش، کاهش یا تبدیل آن ندارد (محقق حلی، بی‌تا، ص ۲۷). مصادیق شاخص حدود عبارتند از: حد زنا (تازیانه یا رجم بسته به شرایط)، حد قذف، حد شرب خمر، حد سرقت (قطع ید) و حد محاربه (اعدام، صلب، قطع دست و پا یا تبعید) (شهید ثانی، بی‌تا، جلد ۴، ص ۱۵). ویژگی مشترک این مجازات‌ها آن است که اولاً منشأ آنها نص قرآنی یا روایی قطعی است و ثانیاً هدف اعلامی آنها علاوه بر تنبیه فردی، حفظ نظم عمومی و بازدارندگی جمعی دانسته شده است. در مقابل، تعزیرات مجازات‌هایی هستند که نوع و میزان آنها در اختیار حاکم یا قانون‌گذار قرار دارد و به همین دلیل، بستر اصلی اعمال مجازات‌های جایگزین در حقوق ایران، همین دسته بوده است.

۳-۲. تفکیک اصل مجازات از کیفیت اجرا

نکته‌ای که در بسیاری از تحلیل‌ها مغفول می‌ماند، تمایز میان اصل نوع مجازات و شیوهی اجرای آن است. برای نمونه، در حد سرقت، اصل مجازات قطع انگشتان دست راست است، اما جزئیاتی مانند نحوهی اجرا، حضور پزشک، مراقبت‌های پس از اجرا و شرایط زمانی-مکانی، موضوعاتی هستند که می‌توانند در حوزهی اختیارات اجرایی حاکم قرار گیرند بدون آنکه اصل حکم تغییر کند. این تفکیک، یکی از کلیدهای اصلی برای یافتن راه‌های عملی کاهش آثار منفی مجازات‌های بدنی، بدون نقض ظاهری اصل حکم شرعی است.

۳-۳. طبقه‌بندی حدود از حیث شدت و قابلیت اثبات

حدود از نظر شدت مجازات و دشواری شرایط اثباتی یکسان نیستند. حد شرب خمر با اثبات ساده‌تر (دو شاهد عادل یا دو بار اقرار) در مقایسه با حد زنا (موجب رجم که نیازمند چهار شاهد عینی است) (شهادت بر مشاهدهی مستقیم عمل)، از نظر عملی کاربرد متفاوتی دارند. همچنین حد سرقت منوط به احراز شرایطی همچون بلوغ و عقل مرتکب، ربودن پنهانی مال از حرز، رسیدن مال به نصاب معین و عدم وجود شبهه در مالکیت است. این تفاوت‌ها در تحلیل امکان محدودسازی عملی اجرای حدود، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند.

۳-۴. مبنای فلسفی مجازات بدنی در نگاه فقهی

برخی فقها معتقدند مجازات بدنی حدی جنبه‌ی نمادین و بازدارنده‌ی اجتماعی دارد و اجرای علنی آن به منظور

تحقق بازدارندگی عمومی (ردع عام) در نظر گرفته شده است (علامه حلی، بی‌تا، ص ۱۱۲)، در حالی که برخی دیگر بر جنبه‌ی تطهیر فردی مرتکب (کفاره) تأکید می‌کنند. این اختلاف مبنا مستقیماً بر نتیجه‌گیری در باب امکان جایگزینی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا اگر هدف اصلی بازدارندگی عمومی باشد، جایگزینی با مجازاتی که همان اثر بازدارندگی را نداشته باشد، دشوارتر توجیه می‌شود.

۳-۵. سیر تاریخی تشریع و تدوین

احکام حدود از صدر اسلام بر پایه‌ی آیات قرآنی و سنت نبوی شکل گرفت. در دوره‌ی تشریع، احکام به‌صورت کلی و با تأکید بر شرایط سخت‌گیرانه‌ی اثباتی نازل شده‌اند، امری که برخی محققان آن را نشانه‌ای از قصد شارع بر محدود ساختن دامنه‌ی عملی اجرای این مجازات‌ها تفسیر می‌کنند. از قرن دوم هجری به بعد، فقهای مذاهب مختلف به تفصیل و تنظیم احکام حدود پرداختند؛ در این دوره، اختلاف نظرهای مذهبی درباره‌ی جزئیات اثباتی و اجرایی شکل گرفت، اما اصل غیرقابل‌تغییر بودن نوع مجازات حدی، مورد اتفاق نسبی همه‌ی مذاهب باقی ماند. در دوره‌ی معاصر و با تشکیل دولت‌های ملی، پرسش از نسبت میان حدود شرعی و نظام حقوقی نوین جدی‌تر شد. برخی کشورها مانند ایران و پاکستان، حدود را در قالب قانون موضوعه تدوین کردند و برخی دیگر مانند تونس و ترکیه، عملاً آنها را از نظام کیفری خود کنار نهادند. (Peters, ۲۰۰۵, pp. ۷۸-۸۲) مقایسه با سیر تحول مجازات‌های بدنی در غرب (که از قرن هجدهم با آثار بکاریا و روشنگری، به تدریج به حذف کامل انجامید) نشان می‌دهد که هرگونه تحول در نظام‌های اسلامی، باید از مسیر ظرفیت‌های درون‌فقهی خود عبور کند. (Beccaria, ۱۷۶۴, p. ۴۵)

۴. مبانی فقهی؛ تعارض و ظرفیت‌ها

۴-۱. ادله‌ی عدم قابلیت تخییر در حدود (دیدگاه مشهور)

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که حدود شرعی به دلیل استناد مستقیم به نص، قابل تبدیل، تعطیل یا تخفیف نیستند مگر در موارد استثنایی که خود شارع پیش‌بینی کرده است. مهم‌ترین ادله‌ی این دیدگاه عبارتند از (علامه حلی، بی‌تا، ص ۹۸)

- دلیل قرآنی: ظهور نصوص قرآنی در تعیین دقیق نوع کیفر؛ برای نمونه در آیه‌ی سرقه، عبارت «فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» به عنوان حکمی قطعی و بدون قید تخییر تلقی شده است.
- دلیل روایی: احادیث متعدد بر لزوم اجرای بدون تعلل حدود پس از اثبات و نکوهش شفاعت نزد حاکم.
- دلیل اجماع و سیره‌ی مشرعه: فقهای متأخر و معاصر امامیه، حدود منصوص را جزو احکام غیرقابل‌تغییر و از مصادیق ثوابت شریعت در برابر متغیرات می‌دانند.

دلیل عقلی مبتنی بر حکمت تشریع: جلوگیری از سوءاستفاده‌ی حکام از اختیار تعیین مجازات برای اهداف سیاسی یا شخصی

۴-۲. پاسخ به استدلال موافقان انعطاف

برخی محققان معاصر که به امکان انعطاف در حدود معتقدند، به آیاتی همچون آیه‌ی رجوع به اولی الامر یا مصلحت عمومی استناد می‌کنند. با این حال، مشهور فقها این استدلال‌ها را برای توجیه تغییر در اصل نوع مجازات حدی کافی نمی‌دانند و معتقدند این آیات ناظر بر احکام حکومتی و تعزیری هستند، نه احکام منصوص حدی.

۲۳:۵۷

۴-۳. ظرفیت‌های فقهی محدودکننده‌ی اجرای حد (مسیرهای عملی جایگزین‌سازی غیررسمی)

با وجود ادله‌ی فوق، فقه امامیه ابزارهای متعددی برای محدودسازی عملی اجرای حدود فراهم کرده است که خود به نوعی جایگزین عملی، هرچند نه رسمی، محسوب می‌شوند. این ابزارها برخلاف آنچه تصور می‌شود، به معنای پذیرش اصل جایگزینی نیستند، بلکه سازوکارهایی برای عدم تحقق موضوع حد یا تعویق موقت اجرای آن به شمار می‌روند:

الف) قاعده‌ی درء:

بر اساس این قاعده‌ی مشهور که ریشه در روایت نبوی «ادرؤوا الحدود بالشبهات» دارد (علامه حلی، بی‌تا، ص ۱۵۰)، حدود با وجود هرگونه شبهه در اثبات جرم، ساقط می‌شوند. شرایط سنگین اثباتی حدود (لزوم چهار شهادت مستقیم برای زنا، اقرار چهارباره، احرار کامل شرایط حرز و نصاب در سرقت، و...) در عمل موجب می‌شود دامنه‌ی اجرای واقعی حدود بسیار محدودتر از آن چیزی باشد که در نگاه نخست تصور می‌شود. این قاعده در رویه‌ی قضایی ایران نیز مورد استناد مکرر قرار گرفته و یکی از دلایل اصلی برخورد تعزیری با بسیاری از پرونده‌هایی است که ظاهراً موضوع آنها می‌تواند حدی باشد.

ب) اختیارات حکومتی حاکم اسلامی (احکام والایی):

برخی فقها معتقدند حاکم اسلامی در چارچوب مصلحت نظام و در موارد خاص، می‌تواند اجرای حد را به تعویق اندازد یا در نحوه‌ی اجرا تغییراتی اعمال کند (محقق داماد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۵)، هرچند اصل مجازات را نمی‌تواند لغو کند. این دیدگاه بیشتر بر پایه‌ی احکام حکومتی و والایی است تا تغییر در ماهیت حد. نمونه‌ی بارز این رویکرد را می‌توان در تعویق اجرای برخی احکام رجم در سال‌های اخیر توسط قوه‌ی قضائیه ایران مشاهده کرد

که با استناد به مصلحت نظام و ملاحظات بین‌المللی صورت گرفته است، بدون آنکه اصل حکم فقهی نقض تلقی شود.

ج) توبه پیش از اثبات:

در برخی مصادیق حدی، توبه‌ی مرتکب پیش از اقامه‌ی بینه نزد حاکم، موجب سقوط حد می‌شود، هرچند این نهاد نیز جایگزینی به معنای دقیق کلمه نیست، بلکه سقوط اصل مجازات است. برخی فقها این سقوط را مختص جرایمی می‌دانند که حق‌الله محض هستند و در جرایمی که واجد جنبه‌ی حق‌الناس نیز باشند، توبه به تنهایی موجب سقوط کامل مجازات نمی‌شود.

د) تعزیر تکمیلی و تبدیلی:

در مواردی که اثبات کامل حد میسر نباشد، اما قرائن ظنی بر وقوع جرم وجود داشته باشد، حاکم می‌تواند به جای حد، مجازات تعزیری متناسب اعمال کند. این نهاد که در قانون مجازات اسلامی ایران نیز با عنوان «تعزیر جایگزین حد در موارد فقدان ادله‌ی کافی برای اثبات حد» پیش‌بینی شده است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۵)، عملاً یکی از مهم‌ترین دریچه‌های ورود مجازات‌های جایگزین به پرونده‌های نزدیک به حد است.

ه) عدم امکان اثبات به دلیل انکار پس از اقرار:

در فقه امامیه، انکار مرتکب پس از اقرار به زنا موجب رجم، موجب سقوط حد رجم می‌شود. این قاعده نیز از جمله سازوکارهایی است که در عمل باعث کاهش چشمگیر اجرای احکام رجم شده است، هرچند مبتنی بر جایگزینی نیست، بلکه بر سقوط اصل مجازات به دلیل ضعف در تداوم اثباتی جرم استوار است.

جمع‌بندی: فقه امامیه اگرچه اصل مجازات حدی را غیرقابل تغییر می‌داند، اما با انبوهی از سازوکارهای اثباتی و حکومتی، عملاً دامنه‌ی اجرای واقعی این مجازات‌ها را به شدت محدود کرده است؛ محدودیتی که در عمل به نتیجه‌ای مشابه (اما نه معادل حقوقی) با جایگزینی رسمی می‌انجامد.

۵. مبانی جرم‌شناختی و فلسفه‌ی مجازات‌های جایگزین

برای فهم کامل‌تر منطق حرکت به سمت مجازات‌های جایگزین حبس در نظام‌های کیفری معاصر، مرور مبانی نظری این رویکرد ضروری است:

۱-۵. نظریه‌ی بازپروری:

بر اساس این نظریه، هدف اصلی نظام کیفری، اصلاح و بازگرداندن مجرم به جامعه است، نه صرفاً تنبیه یا انتقام.

مجازات‌هایی مانند خدمات عمومی رایگان، با حفظ ارتباط محکوم با جامعه و خانواده، این هدف را بهتر از حبس یا مجازات بدنی محقق می‌سازند (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳).

۵-۲. نظریه‌ی بازدارندگی:

در مقابل، برخی رویکردهای کیفری سنتی (از جمله رویکرد غالب در باب حدود) بر بازدارندگی عمومی (ردع عام) تأکید دارند و معتقدند اجرای علنی و سخت‌گیرانه‌ی مجازات، نقش مهمی در پیشگیری از وقوع جرم در سطح جامعه ایفا می‌کند. این دو نظریه در تعارض بنیادین با یکدیگر قرار دارند و تحلیل جایگزینی حدود در نهایت به انتخاب میان این دو مبنای فلسفی بازمی‌گردد.

۵-۳. نظریه‌ی عدالت ترمیمی:

رویکرد نوین‌تری که در دهه‌های اخیر مطرح شده، عدالت ترمیمی است که تمرکز آن بر جبران آسیب وارده به بزه‌دیده و جامعه به جای صرف تنبیه مجرم است (نوبهار، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). برخی محققان معاصر تلاش کرده‌اند مفاهیمی از فقه اسلامی مانند دیه و صلح را با این نظریه هم‌راستا نشان دهند، هرچند در باب حدود که عمده‌تاً حق‌الله محسوب می‌شوند، این هم‌راستایی دشوارتر است.

۵-۴. پیامدهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مجازات بدنی:

پژوهش‌های روان‌شناسی جنایی نشان می‌دهند که مجازات‌های بدنی، به ویژه در صورت اجرای علنی، می‌توانند آثار روانی بلندمدتی همچون احساس تحقیر، انزوای اجتماعی و کاهش عزت‌نفس بر محکوم بر جای بگذارند که در برخی موارد به جای کاهش احتمال تکرار جرم، می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای ضداجتماعی بیشتر شود. از منظر جامعه‌شناسی کیفری، اثر بازدارندگی اجتماعی مجازات‌های بدنی موضوع مناظره‌ای دیرینه است. برخی معتقدند شدت نمایشی مجازات، اثر بازدارندگی کوتاه‌مدت قابل‌توجهی ایجاد می‌کند، در حالی که برخی دیگر بر این باورند که قطعیت اجرای عدالت (نه شدت مجازات) عامل تعیین‌کننده‌تری در بازدارندگی از جرم است. همچنین مجازات بدنی علنی، به دلیل ماهیت رسانه‌ای خود، آثار انگ‌زای قابل‌توجهی بر خانواده‌ی محکوم نیز بر جای می‌گذارد که دامنه‌ی آسیب اجتماعی را فراتر از شخص مرتکب گسترش می‌دهد.

۶. جایگاه مجازات‌های جایگزین در حقوق موضوعه‌ی ایران

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها، نهاد مجازات‌های جایگزین حبس را برای جرایم تعزیری درجه‌ی شش تا هشت و در برخی موارد با احراز شرایط خاص، پیش‌بینی کرده است. این مجازات‌ها شامل دوره‌ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی و نظام نیمه‌آزادی می‌شوند. مبنای فلسفی این نهاد، کاهش آثار مخرب حبس کوتاه‌مدت، تسهیل بازپروری و

کاهش بار جمعیت کیفری زندان‌هاست.

شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حسب مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی، عبارتند از: نداشتن سابقه‌ی محکومیت مؤثر، وضعیت خاص شخصی و خانوادگی محکوم، سلامت جسمی و روانی، سن، مسئولیت‌های خانوادگی، نوع جرم و اهمیت آن، و همچنین گزارش‌های مددکاری اجتماعی (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۶۴-۸۷). دادگاه باید در تعیین نوع و میزان مجازات جایگزین، همه‌ی این عوامل را در نظر گیرد.

نهاد خدمات عمومی رایگان، محکوم را ملزم به انجام کار بدون دستمزد در نهادهای عمومی یا خیریه می‌کند. مدت این خدمات متناسب با شدت جرم ارتكابی و در چارچوب سقف‌های قانونی تعیین می‌شود و هدف آن ایجاد بازدارندگی بدون گسست محکوم از جامعه و خانواده است (آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها، ۱۳۸۴، ماده ۲).

نکته‌ی کلیدی آن است که قانون‌گذار به‌صراحت دامنه‌ی اعمال مجازات‌های جایگزین را به جرایم تعزیری محدود کرده و هیچ نصی در قانون مجازات اسلامی برای تسری آن به جرایم موجب حد وجود ندارد. قانون مجازات اسلامی به روشنی این مجازات‌ها را در چارچوب تعزیرات تعریف کرده است و ورود آن به قلمرو حدود، نیازمند اصلاح قانونی صریح و پشتوانه‌ی فقهی محکمی است که در حال حاضر فاقد آن است.

با این حال، بررسی رویه‌ی قضایی نشان می‌دهد که بسیاری از پرونده‌های نزدیک به حد (به‌ویژه در حوزه‌ی روابط نامشروع و برخی مصادیق سرقت) با عناوین تعزیری رسیدگی می‌شوند و بدین ترتیب، امکان اعمال مجازات جایگزین برای آنها فراهم می‌شود، بدون آنکه رسماً حدی جایگزین شده باشد. دوره‌ی مراقبت، جزای نقدی روزانه، نظام نیمه‌آزادی و محرومیت از حقوق اجتماعی نیز هر کدام با اهداف خاص خود، در پرونده‌های تعزیری قابل اعمال هستند.

۷. مطالعه‌ی تطبیقی، سناریوهای عملی و تحلیل حقوقی

۷-۱. تجربه‌ی سایر کشورهای اسلامی

بررسی نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که به استثنای تونس (که عملاً حدود را از قانون کیفری خود حذف کرده)، سایر کشورها مسیری مشابه ایران را طی کرده‌اند- (Peters, ۲۰۰۵, pp. ۱۳۰-۱۵۵):

«عربستان سعودی: اجرای رسمی حدود در چارچوب فقه حنبلی، با اصلاحات رویه‌ای محدود در سال‌های اخیر

(مانند محدودسازی شلاق تعزیری و محدودسازی صدور احکام اعدام برای متهمان نوجوان).
 • پاکستان: قوانین حدود (۱۹۷۰) با وجود اثبات سخت گیرانه، اجرای نادر مجازات بدنی و تبدیل عمده‌ی پرونده‌ها به تعزیرات. اصلاحات قانونی سال ۲۰۰۶ (قانون حمایت از زنان) بسیاری از جرایم جنسی را از قلمرو حدود به قلمرو قوانین عمومی کیفری منتقل کرد. (Peters, ۲۰۰۵, pp. ۱۱۵-۱۲۰)
 • مالزی و اندونزی: اجرای محدود در سطح ایالتی (مانند ایالت آچه در اندونزی) با تأکید بر میانجیگری و پیشگیری از اثبات کامل حد. در مالزی، دوگانگی دادگاه‌های شرعی و مدنی، عملاً بسیاری از پرونده‌های نزدیک به حد را به دادگاه‌های مدنی با مجازات‌های تعزیری واگذار کرده است.
 • سودان: اصلاحات اخیر به دنبال تحولات سیاسی، در جهت کاهش دامنه‌ی مجازات‌های بدنی.
 • تونس: به عنوان تنها نمونه‌ی حذف کامل حدود از قانون کیفری موضوعه.
 نکته‌ی تطبیقی: به جز مورد استثنای تونس، هیچ‌یک از سایر کشورهای اسلامی، اقدام به جایگزینی رسمی و قانونی مجازات بدنی حدی با حفظ عنوان فقهی حد نکرده‌اند؛ در عوض، اکثر آنها از ابزارهای غیررسمی محدودسازی اجرا (دشواری اثبات، میانجیگری، تعویق حکومتی یا انتقال موضوعی جرم از قلمرو حد به قلمرو تعزیرات) بهره برده‌اند.

جدول مقایسه تطبیقی رویکرد کشور های اسلامی به مجازات های حدی

کشور	مبنای فقهی غالب	رویکرد به اجرای حدود	سازوکار اصلی محدود سازی	جایگزینی عملی
ایران	فقه شیعه	اجرای رسمی در چارچوب ق.م.ا	قاعده درء، تعویق حکومتی، تبدیل عناوین اتهامی	محدود سازی غیر رسمی
عربستان سعودی	فقه حنبلی	اجرای رسمی و علنی	اصلاحات رویه ای محدود(محدود سازی شلاق تعزیری)	اصلاحات رویه ای
پاکستان	فقه حنفی	قوانین حدود(۱۹۷۰)؛ اثبات سخت گیرانه	دشواری اثبات	تبدیل عمده به تعزیرات
مالزی و اندونزی	فقه شافعی	اجرای محدود در سطح ایالتی	دوگانگی دادگاه های شرعی و مدنی	واگذاری به دادگاه های مدنی
سودان	فقه مالکی	گنجانده شده در قانون کیفری(۱۹۹۱)	اصلاحات ۲۰۲۰ حذف مجازات ارتداد)	اصلاحات قانونی محدود
تونس	رویکرد مدرن	عملا حذف حدود از نظام عدالت کیفری	حذف کامل از قوانین موضوعه	جایگزینی کامل

۲-۷. سناریوهای فرضی (نقص در اثبات، انکار پس از اقرار، شبهه)

برای ملموس‌تر شدن تحلیل، سه سناریوی رایج را بررسی می‌کنیم:

• سناریوی نخست - نقص در شرایط اثباتی سرقت: فردی به اتهام سرقت از منزل دستگیر شده، اما مال مسروقه در زمان کشف از حرز خارج بوده است. در این حالت، به دلیل عدم تحقق شرط حرز، حد سرقت منتفی است و پرونده با عنوان تعزیری «سرقت ساده» رسیدگی می‌شود که امکان اعمال مجازات جایگزین (مانند خدمات عمومی) کاملاً وجود دارد.

• سناریوی دوم - اقرار و انکار پس از آن در پرونده‌ی زنا: فردی به ارتکاب زنا ی موجب رجم اقرار می‌کند، اما پیش از اجرای حکم، اقرار خود را انکار می‌کند. بر اساس دیدگاه مشهور فقهی، این انکار موجب سقوط حد رجم می‌شود و پرونده از مسیر اجرای مجازات بدنی خارج می‌گردد.

• سناریوی سوم - تشخیص شبهه در پرونده‌ی شرب خمر: فردی با بوی الکل در خون شناسایی می‌شود، اما مدرک مستقیمی بر مصرف ارادی و آگاهانه وجود ندارد (مانند احتمال مصرف غیرارادی). در این حالت، بر اساس قاعده‌ی درء، شبهه موجب سقوط حد می‌شود و در بهترین حالت، مجازات تعزیری متناسب (که می‌تواند شامل مجازات جایگزین باشد) قابل اعمال است.

نتیجه‌گیری از سناریوها: این سه سناریو که همگی مبتنی بر اصول فقهی پذیرفته‌شده هستند، نشان می‌دهند که در عمل، مسیر اصلی ورود مجازات‌های جایگزین به پرونده‌های نزدیک به حد، از طریق سقوط اصل حد به دلیل نقص اثباتی است، نه از طریق جایگزینی رسمی و مستقیم نوع مجازات پس از اثبات کامل آن.

۳-۷. تحلیل حقوقی اصل چهارم قانون اساسی و نقش نهادهای قضایی

از منظر حقوقی، سه استدلال عمده در باب امکان یا امتناع جایگزینی مطرح است:

• استدلال موافق (تفسیر موسع): مبتنی بر اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم و اسناد بین‌المللی حقوق بشری.

• استدلال مخالف (سلسله‌مراتب هنجاری): حدود ریشه در نصوص قطعی شرعی دارند و اصل چهارم قانون اساسی، مطابقت کلیه قوانین با موازین شرعی را الزامی کرده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، اصل ۴)؛ بنابراین تصویب قانونی که حد را با مجازات جایگزین تعویض کند، با اصل مذکور در تعارض است.

• استدلال میانه (اختیارات حاکمیتی): تفکیک میان اصل مجازات و کیفیت اجرا، امکان تعدیل در شیوه‌ی اجرا (مانند اجرای غیرعلنی، تدریجی یا مقید به ملاحظات پزشکی) را فراهم می‌کند، بدون آنکه ماهیتاً جایگزینی رخ داده باشد.

اصل چهارم قانون اساسی، مهم‌ترین مانع حقوقی در برابر هرگونه تلاش قانون‌گذاری برای جایگزینی رسمی مجازات حدی محسوب می‌شود، مگر آنکه استدلال فقهی محکمی (مانند تشخیص موضوع به عنوان حکم حکومتی قابل تغییر) ارائه شود که مورد پذیرش فقهای شورای نگهبان قرار گیرد.

تعهدات بین‌المللی: ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده است. برخی حقوقدانان معتقدند تعارض میان مجازات‌های بدنی حدی و استانداردهای بین‌المللی منع شکنجه و رفتار غیرانسانی، دولت ایران را ملزم به بازنگری در شیوهی اجرای این مجازات‌ها می‌کند (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶، ماده ۷). در مقابل، منتقدان معتقدند اسناد بین‌المللی نمی‌توانند بر احکام قطعی شرعی که مبنای مشروعیت نظام حقوقی کشور است، تقدم یابند. گزارش‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز نگرانی خود را نسبت به اجرای مجازات‌های بدنی در ایران ابراز داشته است. (Human Rights Committee, ۲۰۲۲, para. ۳۲)

نقش قوهی قضائیه و دیوان عالی کشور: تجربهی دو دهه‌ای اخیر نشان می‌دهد که قوهی قضائیه ایران با ابزارهایی مانند تعویق اجرای حکم، بخشودگی از سوی مقام رهبری و تبدیل عناوین اتهامی، در عمل بسیاری از احکام حدی صادره را به مرحله‌ای اجرا نرسانده یا با تأخیر قابل‌توجه مواجه ساخته است. آرای وحدت رویه‌ی دیوان عالی کشور نیز در موارد متعددی، با تفسیر مضیق شرایط اثباتی حدود، عملاً به سمت تثبیت رویه‌ای حرکت کرده که در آن تشخیص عنوان تعزیری بر عنوان حدی در موارد مشکوک اولویت می‌یابد. همچنین نظرات مشورتی اداره‌ی حقوقی قوهی قضائیه، هرچند الزام‌آور نیست، اما در عمل به عنوان راهنمای قضات، غالباً توصیه به احتیاط و تفسیر به نفع متهم در موارد تردید داشته است.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری:

بررسی حاضر نشان می‌دهد که در چارچوب فقه امامیه (محقق حلی، بی‌تا، ص ۲۵؛ علامه حلی، بی‌تا، ص ۹۸؛ شهید ثانی، بی‌تا، جلد ۴، ص ۱۵) و حقوق موضوعه‌ی ایران (قانون اساسی، ۱۳۶۸، اصل ۴؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۶۴-۸۷)، جایگزینی مستقیم و رسمی مجازات‌های بدنی حدی با نهاد مجازات‌های جایگزین حبس، با موانع جدی فقهی و قانونی روبروست. با این حال، مسیر عملی و غیررسمی محدودسازی دامنه‌ی اجرای حدود از طریق قاعده‌ی درء، شرایط سنگین اثباتی، توبه‌ی پیش‌ازاثبات و اختیارات حکومتی حاکم اسلامی، در عمل موجب کاهش چشمگیر موارد اجرای واقعی مجازات‌های بدنی شده است.

از منظر فقهی، اصل غیرقابل‌تغییر بودن نوع مجازات حدی، همچنان دیدگاه غالب و مستدل فقهای امامیه است و هیچ‌یک از ظرفیت‌های فقهی بررسی‌شده، به معنای پذیرش اصل جایگزینی رسمی نیست، بلکه صرفاً ابزارهایی

برای مدیریت دامنه‌ی اجرای عملی این احکام محسوب می‌شوند. از منظر حقوقی، اصل چهارم قانون اساسی، مانع جدی در برابر هرگونه اقدام تقنینی برای جایگزینی رسمی است. از منظر تطبیقی، تجربه‌ی سایر کشورهای اسلامی نیز مؤید همین الگوست. (Peters, ۲۰۰۵, pp. ۷۸-۱۵۵) فرضیه‌ی اصلی پژوهش مبنی بر «امکان محدودسازی غیررسمی نه جایگزینی رسمی» با قوت بیشتری تأیید شد.

پیشنهادهای:

۱. تدوین دستورالعملی اجرایی توسط قوه‌ی قضائیه برای شفاف‌سازی و یکسان‌سازی معیارهای تشخیص شبهه در چارچوب قاعده‌ی درء.
۲. تبیین دقیق‌تر معیارهای تشخیص کفایت یا نقصان ادله برای اعمال نهاد تعزیر جایگزین حد، در قالب آیین‌نامه‌ای مصوب.
۳. تشکیل کمیته‌ی مشترک فقهی-پزشکی-حقوقی برای بازبینی ادواری شیوه‌های اجرایی مجازات‌های بدنی (نه اصل مجازات)، با تأکید بر ملاحظات کرامت انسانی و پزشکی.
۴. تقویت نهادهای میانجیگری و مددکاری اجتماعی در مرحله‌ی پیش از تحقیقات مقدماتی جرایم خانوادگی نزدیک به حد.
۵. آغاز پژوهش‌های میان‌رشته‌ای حوزوی و دانشگاهی با محوریت تفکیک ثوابت و متغیرات در باب حدود.
۶. انجام پژوهش‌های میدانی و آماری برای بررسی کمی تعداد و سرنوشت پرونده‌های نزدیک به حد در محاکم ایران، به منظور تکمیل یافته‌های نظری با داده‌های تجربی.
۷. بررسی مستقیم و مصاحبه‌ای دیدگاه‌های مراجع تقلید و فقهای معاصر در پژوهش‌های آتی، برای روشن‌تر شدن ابعاد به‌روزتر این بحث فقهی.

منابع

- ۰ آیین‌نامه‌ی اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۳۸۴). تهران: سازمان زندان‌ها.
- ۰ اکرمی، روح‌الله (۱۴۰۰). «جایگزین مجازات حبس برای زنان در نظام‌های عدالت کیفری ایران و کشورهای غربی: با نگاهی به رویکرد فقه اسلامی»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، قم: دانشگاه قم.
- ۰ امیدی، جلیل (۱۳۸۲). «مبانی فقهی مجازات‌های تعزیری و بازدارنده»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره‌ی ۴۲، صص ۳۵-۶۲.
- ۰ حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۴). «قاعده‌ی درأ در فقه امامیه و حقوق ایران»، پرتال جامع علوم انسانی.
- ۰ خاکسار، داود و غلامی، حسین (۱۳۹۷). «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی.
- ۰ ساداتی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۵). «شرایط اعمال قاعده درأ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی»، فقه و حقوق اسلامی، صص ۱۱۳-۱۴۶.
- ۰ شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه‌ی المعارف الاسلامیه.
- ۰ علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). قواعد الاحکام فی معرفه‌ی الحلال و الحرام، قم: مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.
- ۰ غلامی، حسین (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی.
- ۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
- ۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، مصوب مجلس شورای اسلامی، تهران.
- ۰ قوه‌ی قضائیه جمهوری اسلامی ایران (متغیر). آرای وحدت رویه و نظرات مشورتی اداره‌ی حقوقی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه‌ی قضائیه.

- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۹). بخش جزایی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (بی‌تا). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
- مرتاضی، سعید (۱۳۹۸). «اثر محکومیت‌زدایی و کیفرزدایی قاعده درء در جنایات موجب حد»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی.
- مهدوی‌فر، حسن؛ حسینی‌مقدم، سیدعسکری و عرب‌خزائی، عباس (۱۴۰۰). «مجازات‌های جایگزین حبس در پرتو اصل کرامت و شخصیت انسانی با تأکید بر فقه امامیه»، مجله‌ی اخلاق زیستی، دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۱، صص ۳۴۷-۳۵۹۹۴۳۶۳، <https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i1.35994363>.
- موسوی اشکیکی، سیده صفورا (۱۴۰۲). «مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی و مقارنه آن با فقه جزایی»، اولین همایش بین‌المللی مشاوره، مددکاری اجتماعی و تعلیم و تربیت با رویکرد نگاهی به آینده.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، نیویورک: مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۴۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران: نشر میزان.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی فقهی گذار از مجازات‌های بدنی»، فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی.
- Beccaria, C. (۱۷۶۴). *Dei delitti e delle pene [On Crimes and Punishments]*. Livorno: Coltellini.
- Human Rights Committee (۲۰۲۲). *Concluding observations on the reports submitted by states parties under article ۴۰ of the covenant: Islamic Republic of Iran*. Geneva: United Nations.
- Peters, R. (۲۰۰۵). *Crime and Punishment in Islamic Law: Theory and Practice from the Sixteenth to the Twenty-First Century*. Cambridge: Cambridge University Press.